

مروری بر رهیافت توسعه روستایی نودرونزا و بهره‌گیری از آن در برنامه‌های توسعه روستایی ایران*

سروش مرزبان^۱، داریوش حیاتی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱۹

چکیده

برنامه‌های توسعه روستایی در روند تغییرات خود همواره به دنبال ارائه راه‌حل مناسب‌تری برای حفظ زیستگاه‌های روستایی و افزایش کیفیت زندگی در عرصه‌های روستایی بوده‌اند؛ بنابراین با توجه به تغییرات ساختارهای روستایی و مفهوم روستا در ایران و جهان، نیازمند تغییر در رویکردهای توسعه روستایی هستیم. توسعه نودرونزا به‌عنوان یکی از رهیافت‌های نوین توسعه روستایی، با عبور از رهیافت‌های درون‌زا و برون‌زا در پی ارائه رهیافتی جامع برای ایجاد شرایط بهروزی و افزایش کیفیت زندگی در عرصه‌های روستایی است. این رهیافت با تأکید بر اقتصاد اجتماعی و شبکه‌سازی و همچنین استفاده از سرمایه‌های انسانی و اجتماعی در درون اجتماعات محلی، همراه با تعامل و همکاری با نهادهای دولتی و تلفیق رویکردهای بالا به پایین و پایین به بالا تدوین و مفهوم‌سازی شده است. رهیافت نودرونزا در این شرایط راه‌حلی برای واردکردن جوامع محلی و تقویت نهادهای نوع سوم در فضاهای قلمروی شهری و روستایی و همچنین شبکه‌سازی در بین نهادهای سه‌گانه است (دولتی، خصوصی و نوع سوم) تا بتوان سازوکارهای تصمیم‌سازی را با همکاری سطوح مختلف قدرت سیاسی-اداری و همکاری اجتماعات محلی و با نقش تسهیل‌گری و مداخله‌گری نهادهای مدنی از قبیل سازمان‌های مردم‌نهاد و دیگر سازمان‌های مردمی به‌گونه‌ای متعادلانه، تصمیم‌گیری و اجرا کرد. با توجه به تغییرات ایجادشده در روستاهای کشور و همچنین ظرفیت‌های متعدد مانند سرمایه‌های انسانی و اجتماعی و وجود روستاییان تحصیلکرده و متخصص و همچنین اجرای طرح‌های توانمندسازی و مشارکتی توسط نهادهای مدنی در عرصه‌های توسعه روستایی که در سال‌های اخیر شاهد اجرای آن هستیم، رهیافت توسعه روستایی نودرونزا قابلیت ایجاد الگوی مناسبی برای اجرای برنامه‌های توسعه روستایی در کشور را دارد.

واژه‌های کلیدی: توسعه پایدار روستایی، توسعه روستایی، توسعه نودرونزا، روستا.

* مقاله علمی-ترویجی، پژوهش مستقل

^۱. دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی پایدار، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده

مسئول)، soroush.marzban@gmail.com

^۲. استاد ترویج و آموزش کشاورزی پایدار، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران،

dr.d.hayati@gmail.com

Journal of Community Development

(Rural and Urban Communities)

Vol. 13, No. 2, Autumn and Winter 2022

An Overview on Neoendogenous Approach to Rural Development and Its Applicability in Iranian Sustainable Rural Development Programs*

Soroush Marzban¹, Daryoush Hayati²

Received March 13, 2022

Accepted October 11, 2021

Abstract

Rural development programs are always in search of appropriate and effective solutions to improve the quality of life in rural areas. Therefore, given the conceptual and structural changes in rural areas, it is necessary to change our view of rural development in Iran and the global development terminology. Neo-endogenous development approach is one of the latest approaches to rural development after exogenous and endogenous approaches, which aims to induce and improve the concept of well-being and quality of life in rural areas. This perspective emphasizes the social economy, networking, human and social resources, and the central involvement of local communities in development programs. It also pursues public, private, and third sector collaboration with a synthesis of up-down and bottom-up approaches. Considering the changes in rural areas of Iran and the country's numerous capacities and potentials, such as the presence of social and human capital, a large number of educated rural youth, social activists, and civil societies, as well as many new rural empowerment and capacity building projects that have been implemented in rural communities in recent years, the neoendogenous development approach seems to be an appropriate pattern to promote development in rural areas.

Keywords: Rural, Neoendogenous Development, Sustainable Rural Development.

* Scientific-promotional paper, independent research

¹. PhD Candidate in Sustainable Agricultural Education and Extension, Department of Agricultural Extension & Education, Faculty of Agriculture, Shiraz University, Fars, Iran (Corresponding author), soroush.marzban@gmail.com

². Professor of Sustainable Agricultural Extension, Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, Shiraz University, Fars, Iran, dr.d.hayati@gmail.com

مقدمه

رهیافت نودرونزا^۱ آخرین مرحله از فرایند طولانی تغییرات در جریان تفسیر مفاهیم توسعه روستایی است. طرفداران و کاربران این رهیافت عموماً به دیدگاه‌های عمومی و صرفاً اقتصادی به مفاهیم توسعه و روستا نظری کاملاً متفاوت دارند.

رهیافت نودرونزا علی‌رغم آنکه تعریف مشخصی در مبانی نظری خود ندارد، اما بی‌شک دارای چارچوب تفسیری انعطاف‌پذیر و کاربردی است و بر این نکته تأکید دارد که نمی‌توان یک قانون جهان‌شمول یا راه‌حل منطقی و معتبری برای کل مناطق روستایی جهان ارائه داد. به این رویکرد به دلیل ارائه پیشنهادهاى مختلف به‌جای تبیین قوانین کلی، بسیار توجه شده است. این رهیافت که در بخش‌های مختلف نظریه توسعه قلمروی روستایی^۲ در دهه‌های اخیر مطرح شده است، نقشی اساسی ایفا می‌کند. کاربردهای متنوع بسیاری از این رهیافت در ادبیات موضوعی وجود دارد که عمدتاً مربوط به سیاست‌های توسعه روستایی پایین به بالا هستند که در اروپا و فقط در برنامه توسعه محلی اجتماع‌محور^۳ و برنامه لیدر^۴ دیده می‌شود. در واقع می‌توان گفت توسعه نودرونزا فلسفه توسعه امروزی اروپا است که برنامه لیدر، شکل اجرایی آن را بیان می‌کند.

در فرهنگ غرب و زمان‌های دور (و حتی امروزه در برخی مناطق) روستا به مناطق حاشیه‌ای گفته می‌شد و تصویری از مناطق غیرشهری و حتی غیرتوسعه‌یافته متبادر می‌کرد. با توجه به تعاریف اخیر، در اصطلاح توسعه روستایی، صفت روستایی به بخشی از فرایند توسعه که باید در فضاهای مشخصی (منطقه روستایی) صورت گیرد، اشاره ندارد، بلکه به گستره وسیعی از توسعه‌نیافتگی در همه عرصه‌های روستایی اشاره دارد. از مهم‌ترین مفاهیمی که در این دیدگاه وجود دارد، وجود منشور معتبر جهانی است که برای تضمین توسعه در نظر گرفته شده است و هدف آن قادر ساختن روستاها به کاهش اختلاف بین خود با ثروتمندترین مناطق شهری است (دو روبرتیز، ۲۰۲۰).

گسترش ارتباطات و نشر دانش و فناوری در عرصه‌های مختلف موجب شده که کشورهای مختلف با مشکلات مشابهی مواجه شوند. راهکارهای حل این مشکلات نیز قابلیت تعمیم در

^۱. Neo-endogenous

^۲. Rural Territorial Development

^۳. Community-led Local Development

^۴. LEADER

جغرافیاهای مختلف را دارد. با توجه به تغییرات اخیر در کشور ایران، پدیده‌هایی از قبیل مهاجرت، تغییر کاربری اراضی، فقر و نابرابری درآمدی، بیکاری و مواردی از این دست، موجب تغییر کارکردهای روستایی شده است (کریمی و یعقوبی، ۱۳۹۵). از طرفی مهاجرت‌های معکوس و گردشگری خانه دوم در روستاها نیز موجب تغییراتی در ساخت اجتماعی، منظر و تغییر کاربری اراضی نیز شده است (غدیری معصوم و همکاران، ۱۳۹۱) که مدیریت این عوامل نیازمند مدل توسعه‌ای مدونی است که قادر به تبیین و مدیریت تغییرات ایجادشده باشد و آن‌ها را به سمت مطلوب هدایت کند.

مرور ادبیات توسعه روستایی نشان می‌دهد رویکرد کارگردگرایانه و بخشی‌نگر، توسعه روستایی را فرایندی برای غلبه بر عقب‌ماندگی دیرینه روستاها می‌داند؛ موضوعی که با مدرنیزاسیون کشاورزی می‌توان بر آن غلبه کرد. سپس به‌عنوان فضایی برای تأمین نیازهای مناطق شهری در نظر گرفته شد که به موتور محرکه رشد اقتصادی تبدیل شد (ناوارو و همکاران، ۲۰۲۰). تا دهه ۱۹۷۰ به‌طور گسترده‌ای همه بر این باور بودند که توسعه روستایی تنها از مسیر رهیافت‌های برون‌زا قابل‌دسترس است تا بتوان فاصله فنی، اقتصادی و فرهنگی را با توجه به مراکز اصلی فعالیت (شهرها) کاهش داد (چشیر و همکاران، ۲۰۱۷). این سیاست‌ها بر تحرک سرمایه و نیروی کار تأکید دارند و هدف آن‌ها بهبود مقیاس‌های اقتصادی است. همچنین بهترین راه برای ایجاد رشد در مناطق روستایی را افزایش تقاضای جمعیت شهرنشین می‌دانستند (وارد و همکاران، ۲۰۰۵؛ لو، ۲۰۰۶ و دو روبرتیز، ۲۰۲۰). این دیدگاه در سندهای توسعه کشور به‌عنوان سند برنامه بالا به پایین نیز مشهود است.

تغییرات فرهنگی شکل‌گرفته در دهه ۱۹۷۰ و تأثیرات اقتصادی اجتماعی آن، به بازاندیشی در مفهوم توسعه و معنای روستا منجر شد. طی این جریان، حساسیت‌ها و نیازهای جدیدی هم‌زمان با بی‌اعتمادی به سیاست‌های بالا به پایین و رهیافت‌های برون‌زا شکل گرفت؛ چرا که این رهیافت‌ها در دستیابی به نتایج مورد انتظار عملکرد ضعیفی داشتند. نقش کشاورزی در اقتصاد منطقه‌ای نیز شکل نوینی به خود گرفت و اشتغال و ایجاد ارزش‌افزوده در بخش‌های اولیه و حتی در مناطق به‌اصطلاح محروم به‌طور فزاینده‌ای کاهش یافت. همچنین اعتقاد به این موضوع که راهبردهای مدرنیزاسیون موجب تغییر معناداری در تولید ناخالص داخلی می‌شود، نیز تضعیف شد (ون در پلاگ و همکاران، ۲۰۰۰؛ لو، ۲۰۰۶). به عبارت دیگر، آن‌ها به کاهش

چشم‌گیر سهم کشاورزی در تولید ناخالص داخلی در مقابل افزایش نقش صنعت و بالاتر از آن نقش خدمات دچار تردید شدند.

بحران‌های سیاست‌های اقتصادی کینزی در اوایل دهه ۱۹۸۰، فرصت مناسبی برای تأیید تزه‌های نئولیبرالی فراهم کرد. تزهایی که در دهه‌های بعدی همچنان بر صحنه اقتصاد حاکم بودند. این امر به تغییر راهبرد در سیاست‌های معطوف به روستا (سیاست‌های حذف سرمایه‌گذاری در عرصه دولتی و حمایتی) انجامید، اما تغییری در چشم‌اندازهای موجود حاصل نشد و مسئله توسعه در مناطق روستایی همچنان مبتنی بر رشد صنعتی و تخصص‌گرایی در کشاورزی بود (وارد و همکاران، ۲۰۰۵؛ لو، ۲۰۰۶). به تدریج نگاه کارکردگرایان به توسعه بالا به پایین با دیدگاه قلمروی که بر اهمیت توسعه پایین به بالا تأکید دارد، جایگزین شد. در نهایت این روند با تأکیدات توسعه درون‌زا رشد کرد و ضمن دستیابی به هدف برآوردن نیازهای اساسی جوامع، به کاهش ظرفیت و توان بازار در هدایت انتخاب‌های فردی و جمعی آن انجامید. از آن پس، توسعه وارد مراحل جدیدی شد (دو روبرتیز، ۲۰۲۰؛ به نقل از پیک و همکاران؛ پرستون، ۱۹۹۶؛ کتی، ۱۹۸۹).

نظریه جدید رشد درون‌زا، به اصلاح نقش متغیرهایی مانند نوآوری فنی و سرمایه انسانی که دارای ویژگی‌های متفاوتی در مکان‌های مختلف است، پرداخت. برخی از خوانش‌های این نظریه بر مولدهای بیرونی با سرمایه‌گذاری بر سرمایه‌های فیزیکی و برخی دیگر بر سرمایه‌های نامشهود و غیرملموس تأکید داشتند، اما در همه موارد، فناوری و سرمایه انسانی به عنوان متغیرهای اساسی درون‌زایی، در فرایند رشد نقشی اساسی ایفا کردند (مارتین و سانلی، ۲۰۰۰).

ظهور تدریجی رهیافت‌های درون‌زا (محلی بنیان) با اولویت استفاده از منابع محلی و دخیل‌ساختن مردم محلی شکل گرفت. این امر با افزایش منابع، به اشکال مختلف دموکراسی مشارکتی منجر شد که بر بسیاری از مفاهیم توسعه تأثیر گذاشت و موجب افزایش موضوع خوانش‌های متفاوت محلی شد (قارتزیوس و اسکات، ۲۰۱۴). مدیریت مناطق در اختیار ساکنان آن قرار گرفت و توانایی آن‌ها برای رقابت در عرصه گسترده‌تری به تدریج شکل گرفت. دوگانگی محلی/جهانی که در ادبیات جهانی‌سازی مطرح شد، در مقایسه با مفهوم مرکز/پیرامون از عمومیت و اهمیت بیشتری برخوردار شد؛ بنابراین مسئولیت مناطق حاشیه‌ای و توسعه‌نیافته از

عهدۀ مرکز خارج، و به جای آن به مقیاس محلی منتقل شد (دو روبرتیز، ۲۰۲۰). بر این مورد در ادبیات پژوهشی کشور نیز تأکید شد. هرچند نتایج بیانگر وضعیت نامناسب مشارکت در فرایند توسعه است، از سویی افزایش مشارکت نیز موجب توسعه در روستاها می شود (محمدی یگانه و همکاران، ۱۳۹۲).

این دغدغه های جدید، با عنوان رهیافت توسعه نودرونزا مطرح شد که به جای اتکا به سرمایه گذاری بیرونی و نوسازی کشاورزی، به اهداف بسیج منابع و فعالان محلی می پردازد (وود و مکدوناف، ۲۰۱۱). دیدگاه نودرونزا چشم اندازی فراتر از حالت های درونزا و برونزا را ترسیم می کند و با وام گرفتن از نظریۀ رشد، به اهمیت عرصه های فرامنطقه ای و تأثیرات جریان های با مقیاس بین المللی بر فرایندهای محلی می پردازد (دو روبرتیز، ۲۰۲۰).

تعریف توسعه روستایی برمبنای دستیابی به ترکیبی جامع از منابع و فعالیت های محلی در شبکه ای گسترده تر، مبین رویکرد توسعه نودرونزا است. در واقع جایگزینی برای دیدگاه دوگانه بالا به پایین و پایین به بالا است که برمبنای فعالیت هایی است که در توسعه درونزا صورت گرفته است (ون در پلاگ و ون دیک، ۱۹۹۵)؛ با این تفاوت که کنترل محلی مانند توسعه درونزا در محوریت قرار دارد، اما بر لزوم پذیرش عوامل فرامحلی^۱ (غیرمحلی) نیز تأکید می شود (ری، ۲۰۰۱؛ بوسورث و همکاران، ۲۰۱۶).

ترکیب یا ادغام درونزایی و برونزایی از مشخصه های افزایش پیچیدگی فهم های متعدد از فضا های جغرافیایی است. حتی تفاوت های شهر و روستا نیز به تدریج کمرنگ شده و شباهت ها و درهم تنیدگی های بیشتری در رابطه با این دو محیط زندگی (زیستگاه، و شهر و روستا) قابل تشخیص است. در نهایت در ربع آخر قرن اخیر شاهد تغییر چارچوب نظری دیدگاه های کارکردگرایانه از روستا به سمت دیدگاه هایی هستیم که روستا را برساخت اجتماعی^۲ می داند. ابعاد فرهنگ اجتماعی و ارزش های معنوی نیز به این معادله اضافه شده اند؛ تا جایی که شاید گاهی محدودیت های محیطی که بین زندگی شهری و روستایی وجود دارد، نادیده گرفته می شود (وودز، ۲۰۰۹؛ وود و مکداف، ۲۰۱۱).

^۱. Extra-local

^۲. Socially Constructed

دیدگاه نودرونزا، روستایی بودن^۱ را به‌عنوان ویژگی ذاتی برخی مناطق یا به‌عنوان شکافی که با ارزش‌های شهری باید پر شود، در نظر نمی‌گیرد. همچنین توسعه روستایی فرایندی همگن و یکنواخت با معیارهای استاندارد منطقه‌ای نیست، اما می‌تواند فرایندی از تلاش برای رسیدن به توقعات و اهدافی باشد که افراد و گروه‌ها (براساس فرصت‌های ممکن و محدودیت‌های موجود) در یک یا چند منطقه راجع به آن تصمیم می‌گیرند و این تصمیم‌ها را توسعه می‌بخشند. این دیدگاه می‌تواند رهیافتی برای پاسخگویی به بسیاری از مشکلات مدیریتی توسعه روستایی باشد که کشور با آن مواجه است از قبیل جای خالی سیاست توسعه روستایی در راهبرد ملی، سردرگمی و تداخل وظایف سازمان‌های متولی روستایی، تعدد نهادی و سازمان‌ها در امر توسعه روستایی، نبود منابع مالی پایدار، ناسازگاری ارزش‌ها با شرایط واقعی جامعه بومی، ذینفع‌نبودن جامعه محلی در سایه ارزش‌ها، ناهماهنگی بین سطوح تصمیمات، وجود تعداد زیادی از نیروهای آموزش‌ندیده و غیرمتخصص در حوزه توسعه روستایی، و سیاست‌های شهرگرایی و صنعت‌گرایی و تأثیر آن بر جامعه روستایی باشد (رستگاری و همکاران، ۱۳۹۶).

پرداختن از بعد اخلاقی به فرایند توسعه، تغییر بسیار مهم‌تری است. در این راستا، عناصر ذهنی جدیدی به بازنمایی یا معرفی دوباره آینده توسعه سرزمینی وارد می‌شوند. به اشتراک‌گذاری ارزش‌های مشخص که اغلب از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت است، نه تنها موجب ارتقای عملکرد رقابتی می‌شود (همان‌طور که در رویکردهای سنتی درون‌زا مطرح شده)، بلکه به تحقق پروژه‌ها و تفکراتی منجر می‌شود که سبب حرکت مناطق مختلف به سمت اهداف توسعه می‌شوند (بوسورث و همکاران، ۲۰۱۶). در همین راستا، نظریات پساتوسعه نیز دستیابی به تعریف معتبر جهانی از توسعه را نفی و فرایندهای جایگزین پایدار را برای توسعه مطرح می‌کند تا طیف گسترده‌ای از اهداف را شامل شود و استیلای قاطبه ابعاد اقتصادی را از بین ببرد (اسکوبار، ۱۹۹۵)؛ بنابراین موقعیت توسعه نودرونزا در گرو مشارکت گسترده مردم و احترام به ارزش‌های محلی است (بوسورث و همکاران، ۲۰۱۶). تشخیص اهدافی که افراد برای توسعه دارند، با اهداف منطقه‌ای و مؤلفه‌های داخلی و خارجی در ارتباط است که به‌عنوان فرصت‌ها و منابع شناخته می‌شود. این فرایندی است که نتایج متنوع و متغیری را به باور می‌آورد (دو روبرتیز، ۲۰۲۰).

^۱. Rurality

همچنین توسعه روستایی با بازسازی (بازپیکربندی^۱) منابع روستایی در ارتباط است. زمین، نیروی کار، طبیعت، اکوسیستم، حیوانات، گیاهان، صنایع دستی، شبکه‌های ارتباطی، شرکای بازار و روابط شهر و روستا همگی باید نوسازی شوند. در رهیافت مدرنیزاسیون، این دست از منابع از چرخه کشاورزی خارج شده بودند؛ بنابراین نیاز به رهیافت جدیدی از توسعه روستایی به روشنی وجود دارد که می‌تواند به شکل‌گیری منابع و چگونگی تبدیل شدن یک موضوع ناکارآمد به ارزش کمک کند و با ترکیب‌شدن با منابع دیگر، کلیت جدیدی به وجود آورد که به نیازها، دیدگاه‌ها و علایق جدید منجر شود (ون در پلاگ و همکاران، ۲۰۰۰).

بنابر روند طی شده در فرایند و دیدگاه‌های توسعه در جهان و همچنین مشکلاتی که در کشور به آن‌ها اشاره شد، مبین تغییراتی در عرصه‌های برنامه‌ریزی و مدیریتی، کشاورزی، گردشگری، زیست‌محیطی و اقتصادی است که چالش‌های متعددی را نیز در پی داشته است (فعلی و همکاران، ۱۳۸۹). الگوهای کلان توسعه کشور طی دهه‌های اخیر عمدتاً مبتنی بر توسعه کالبدی و ساخت‌وسازهای روستایی بودند. این سیر تقریباً با شروع توسعه محلی^۲ در دهه شصت میلادی با حمایت‌هایی مانند اصل چهار ترومن آغاز شد و تاکنون نیز مصادیق این نگاه در ساخت‌وسازهای کلان و عمرانی مشاهده می‌شود. هرچند در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور شاهد افزایش مفاهیمی مانند مشارکت یا استفاده از نهادهای مدنی هستیم، نگاه هژمونیک همچنان مبتنی بر توسعه کالبدی و بالا به پایین است. این روند با توجه به شدت گرفتن پیامدهای اجتماعی و زیست‌محیطی که در برخی موارد به بحران منجر شده است، دیگر پاسخگوی تغییرات به‌وجودآمده نیست و بازنگری در الگوهای توسعه کشور ضروری به نظر می‌رسد. بدین منظور، شناخت مفاهیم و الگوهای نوین با توجه به تجارب جهانی بی‌شک در برنامه‌ریزی توسعه کشور مؤثر و راهگشا خواهد بود. یکی از جدیدترین رهیافت‌های توسعه در ادبیات پژوهشی این حوزه، توسعه نودرون‌زا است که در ادبیات موضوعی توسعه کشور بسیار کم به آن پرداخته شده یا به‌طور مستقیم به آن پرداخته نشده است. این ضرورت، نگارندگان را بر آن داشت تا با معرفی این رهیافت و مؤلفه‌های بهره‌گیری از آن در توسعه روستایی ایران، مقدماتی را برای بهره‌مندی سیاست‌گذاران از این رهیافت و پژوهش‌های آتی مهیا کنند.

^۱. Reconfiguration

^۲. Community Development or Rural building

اصول توسعه برونزا، درونزا و نودرونزا (وارد و همکاران، ۱۹۹۷، ۲۰۰۵)			
	توسعه برونزا	توسعه درونزا	توسعه نودرونزا
اصول اساسی	مقیاس و تمرکز بر اقتصاد.	بهره‌برداری از منابع محلی (طبیعی، انسانی و فرهنگی) برای توسعه پایدار.	حداکثرسازی ارزش منابع محلی. رقابت‌پذیری مبتنی بر دارایی‌های محلی.
نیروهای پیش‌برنده	تمرکز بر رشد شهری (پیشران‌های برونزا در عرصه‌های روستایی).	ابتکارات و کارآفرینی محلی.	شبکه‌سازی کنشگران محلی و ارتباط آن‌ها با نهادهای اثرگذار بیرونی.
کارکردهای عرصه‌های روستایی	تولید غذا و تولیدات اولیه برای اقتصاد شهری.	حرکت به سمت اقتصاد خدماتی.	حرکت به سمت اقتصاد تولیدی و خدماتی با در نظر گرفتن تقاضای مناطق شهری برای دریافت خدماتی منحصر به مناطق روستایی.
مشکلات اساسی توسعه روستایی	بهره‌وری پایین و حاشیه‌ای.	ظرفیت‌های محدود عرصه‌ها/گروه‌ها به منظور مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی.	دریافت خدمات ضعیف به دلیل عدم توازن بین مناطق شهری و روستایی، پیروی و نابرابری، دوردستی، انزوا و تراکم جمعیتی پایین در مناطق روستایی.
تمرکز بر توسعه روستایی	مدرنیزاسیون کشاورزی.	ظرفیت‌سازی (مهارت‌ها، نهادها، زیرساخت‌ها) غلبه بر محرومیت.	اتخاذ رهیافت‌های کل‌نگر شامل توان‌افزایی محلی، ظرفیت‌سازی، غلبه بر محرومیت، افزودن ارزش به منابع محلی، تقویت ارتباطات و ترویج نوآوری.

تعاریف، ضرورت‌ها و مفاهیم مرتبط

به‌طور کلی منظور از تدوین مفهوم نودرونزا، ایجاد رهیافتی است که بتواند مسائل و تفاوت‌های اجتماعی-فرهنگی و مسیرهای اقتصادی کشورها را در سطح فراملی تبیین کند. اندیشه بنیادینی که در این راستا وجود دارد، توسعه (روستایی) نودرونزا نامیده می‌شود. بخش درونزای این مفهوم، به پویایی توسعه در راستای پایین به بالا دلالت دارد؛ زمانی که به دنبال منابع توسعه هستیم و بر سازوکارهای قلمروی محلی تأکید داریم. به‌طور کلی درونزایی را می‌توان به‌نوعی

مترادف با مشارکت دانست. بخش دیگر مفهوم یعنی «نو^۱» به دنبال به چالش کشیدن بخش پایین به بالا نیست، بلکه به دنبال بیان نقش کنشگران متعدد فرامحلی در جریان توسعه است. در این راستا، فعالان نظام سیاسی-اداری (از سطح ملی گرفته تا سطح محلی) مانند دیگر فعالان محلی، بخشی از فضای توسعه روستایی در نظر گرفته می‌شوند که در حمایت از احیا و بازسازی راهبردهای توسعه روستایی دارای نقش بالقوه هستند.

درواقع توسعه نودرونزا رهیافتی مبتنی بر توسعه درونزا در تعامل با روابط و مناسبات خارج از روستا و با تأکید بر سرمایه انسانی و اجتماعی است (بوسورث و همکاران، ۲۰۱۶؛ ری، ۲۰۰۶). در این راستا، زمانی که ایده کاهش مداخلات دولت، با ترکیبی از نیروهای بازار و اقدامات اجتماعی جایگزین شود، ممکن است جذاب باشد، اما باید توجه داشت که برای قلمروها یا سرزمین‌هایی که منابع ضعیف دارند، نگرانی‌هایی ایجاد می‌کند. به دلایل زیادی بخشی از تغییرات روستایی در خارج از اقتصاد روستایی ایجاد می‌شود (کلاک، ۱۹۹۶)، اما افزایش پویایی شبکه‌های روستایی (مارسدن، ۲۰۰۹) که به رهیافت بازار آزاد نیز وابسته است، به شناخت ارزش‌هایی منجر می‌شود که در سرزمین‌ها وجود دارند؛ به‌خصوص دارایی‌های ثابت که می‌توانند کمکی برای رسیدن به اهداف توسعه باشند. در فضاهایی که سرزمین‌ها از منابع باارزشی برخوردارند، ظرفیت‌ها برای رهیافت‌های محلی آشکار می‌شوند، اما در جای دیگر، ضرورت رویکرد مذاکره‌ای و چانه‌زنی بین فعالان محلی و بیرونی (فرامحلی) و استفاده از دارایی‌های محلی به روش‌های امکان‌پذیر، موجب توسعه محلی می‌شود. این امر، بیان‌کننده خواست‌های قبلی برای شکل‌گیری نظریه توسعه‌ای «فرای مدرنیزاسیون» (ون در پلاگ و ون دیک، ۱۹۹۵) و «فرای نظریه‌های توسعه درونزا و برونزا» است (بوسورث و همکاران، ۲۰۱۶؛ لو و همکاران، ۱۹۹۵).

از نگاه سیاسی، رهیافت نودرونزا براساس ایده اقتصادی-اجتماعی بهزیستی^۲ (به‌منظور خروج از محرومیت‌های اقتصاد روستایی حال حاضر) شکل گرفته است که با بازسازی مداخلات دولتی، فارغ از بخش خصوصی و با توجه به چیدمان قلمرو محلی (منطقه‌ای) راه‌حل بهتری را ایجاد می‌کند. درواقع این موضوع آلترناتیوی (گزیداری) در مقابل اقتدار

1. Neo

2. well Bing

مرکزی برای طراحی نوعی از مداخلات است که با بخش‌های زندگی اجتماعی و اقتصادی که از یکدیگر جدا هستند یا با مشکلات اجتماعی-اقتصادی دست‌به‌گریبان است. براساس این دیدگاه، قلمروها یا سرزمین‌های آسیب‌پذیر یا مشکل‌دار، برای توسعه و گسترش، نیازی به قربانی نشان‌دادن خود به نیروهای سیاسی و اقتصادی بیرونی ندارند. محلی‌ها بالقوه قادر به ایجاد تغییرات در راستای منافع خود هستند. محوریت این رهیافت بر این است که مناطق روستایی (محلی) توانایی به‌دست‌آوردن برخی مسئولیت‌ها درخصوص توسعه اقتصادی-اجتماعی خود را دارند یا باید داشته باشند. در مفهوم توسعه روستایی، رهیافت نودرونزا دارای دو اصل ابتدایی دیگر نیز هست: ۱. اقتصاد و دیگر فعالیت‌های توسعه‌ای با محوریت حداکثرسازی حفظ منافع در قلمروهای ملی و با ارزش‌گذاری و بهره‌برداری منابع محلی اعم از فیزیکی و انسانی صورت پذیرد؛ ۲. بسترسازی توسعه با تأکید و تمرکز بر نیازها، ظرفیت‌ها و دیدگاه‌های مردمان محلی باشد. مدل توسعه، بر اصول و فرایندهای مشارکت‌کنندگان محلی در طراحی و اجرای فعالیت‌ها، و در سازگاری با ارزش‌های فرهنگی و محیط زیستی اجتماعات به مداخله‌گری می‌پردازد. این توضیحات^۱، تصویری از عرصه‌های روستایی با تأثیرگذاری بیشتر بر آینده آن‌ها و جهت‌دادن مجدد توسعه پیرامون منابع محلی یا چیدمان ساختارها به سمت پایدارسازی جریان محرک توسعه محلی با مداخلات رسمی اولیه را پیشنهاد می‌کند (ری، ۲۰۰۶).

از نگاه جامعه‌شناسی، توسعه روستایی نودرونزا نتیجه انباشت پژوهش‌های تجربی پیوسته‌ای است که همواره در حال انجام است؛ نظیر مطالعات فردی، ابتکارات محلی، مطالعات موردی تطبیقی، ارزشیابی سیاست‌ها و دستورالعمل‌ها (راهنماهای) تدوین‌شده در پروژه‌های موفق توسط سازمان‌ها مانند بررسی برنامه لیدر^۲. همچنان فضا برای نظریات متعدد به‌منظور تئوری‌سازی وجود دارد. با توجه به ماهیت موضوع، رهیافت نودرونزا اکتشافی و در حال تکامل است. دانشمندان اجتماعی، فعالان و نقش‌آفرینان برای حفظ پویایی این امر هستند و مفهوم‌های ساخته‌شده را به‌عنوان ابزاری بالقوه به فعالان و مجریان محلی و سیاست‌گذاران رسمی پیشنهاد می‌کنند (ری، ۲۰۰۶).

^۱. Rhetoric

^۲. LEADER

مطالعه جامع توسعه نودرونزا براساس تعدادی از رهیافت‌های مفهومی مرتبط و عمومی شکل گرفته است که می‌توان در این خصوص به چهار مورد اشاره کرد: ۱. اقتصاد اجتماعی^۱؛ ۲. هماهنگی‌های اقتصادی^۲؛ ۳. حکمرانی‌های چند سطحی^۳؛ ۴. جامعه‌شناسی فرم‌های سرمایه (در اینجا با عنوان برنامه‌های درون قلمروی^۴ از آن یاد شده است) (ری، ۲۰۰۶).

پیشران‌ها و ضرورت‌های توسعه نودرونزا

روستا و تغییرات آن

در مباحث کلامی همچنان صحبت از روستا^۵ در بحث توسعه روستایی امکان‌پذیر است، اما در واقعیت موضوع تغییر کرده و روستا شامل زندگی اجتماعی-اقتصادی در فضاهای غیرشهری است که براساس قلمرو سازمان‌دهی شده‌اند. فضای توسعه روستایی شامل قلمروهایی با اجزا و روابط متعدد در رابطه با نظام سیاسی-اداری کشور است که برخی از آن‌ها دارای اقتدار محلی بیشتر و وابستگی کمتری به بخش دولتی هستند. این فضاها طیف گسترده‌ای از مقیاس‌ها را نیز شامل می‌شوند که از صد هزار نفر جمعیت تا سطح محلی بسیار کوچک در یک منطقه می‌تواند باشد (یک زیستگاه^۶ و اراضی تحت اختیار آن).

در ادبیات موضوعی، از روستا به عناوین مختلف یاد شده است، اما با توجه به نظریات وودز (۲۰۰۹) غنی‌ترین، آن‌هایی بودند که روستا را به‌عنوان فضای تلفیقی و شبکه‌ای، با استناد به آثار مسی^۷ مفهوم‌سازی کرده‌اند. درک روستا به‌عنوان فضایی ارتباطی، تعاریف سنتی آن را تغییر می‌دهد. تمایز داخلی/خارجی به‌جای جداسازی می‌تواند دوباره تفسیر شود و رابطه بین تعدد و تنوع را مشخص کند (دو روبرتیز، ۲۰۲۰؛ مسی، ۲۰۰۵، ۲۰۰۹).

از دیدگاه روابطی^۸، روستا، نه به‌عنوان قلمروی با مرزهای مشخص و محدود و نه به‌عنوان فضایی کاملاً ذهنی بدون پایه و اساس مادی قابل‌تعریف است، بلکه به‌عنوان ساختاری گفتمانی

1. Socioeconomic

2. economic coordination

3. multi-level governance

4. The Intera-territorial plans

5. Countryside

6. Settlement

7. Massey

8. Relational Perspective

و رابطه‌ای در ارتباط با منابع خارجی مانند شهرها یا کشور است و از طریق تلفیق و مفاهمه تفاوت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرایندهای فرهنگی و روابط به تقسیم‌بندی، شکل‌گیری روستا منجر می‌شود (وودز و مکداف، ۲۰۱۱).

از دیدگاه نودرونزا، دوگانگی درونی/بیرونی یا داخلی/خارجی، به‌علت نقش گروگزاران و منابع (درونزا و برونزا) درگیر در فرایند توسعه، موقعیت مرکزی (محوری) پیدا می‌کند. فعالیت نهادهای مشارکت‌کننده برونزا در فرایند قلمرو ناشی از شدت و کیفیت رابطه آن با عرصه‌های روستایی است. مرزبندی سنتی، کم‌اثرتر می‌شود و نزدیکی و قرابت فیزیکی اهمیت می‌یابد، اما ضروری نیست. بدین ترتیب، قلمرو یا منطقه به شبکه‌های چندبعدی (شبکه در شبکه) تبدیل می‌شود؛ به‌طوری‌که پیتر (۲۰۰۹) آن را شار دائمی یا جریان ثابت^۱ و مسی آن را دارایی‌های متعلق به فضای مشخص تعریف می‌کند. روابط مستحکم یا پایدار محلی به‌راحتی قابل مشاهده هستند و می‌توان به مرزبندی‌ها، فاصله‌ها و مشخصه‌هایی اشاره کرد که با دیدگاه بخشی و مقیاسی که برای مشاهده انتخاب می‌شوند، مربوط است، اما درنهایت قلمرو یا منطقه روستایی بیانگر ادغامی دوگانه و فضایی چندبعدی است که به‌صورت پیوسته در تعامل بین طبیعت و جامعه، و انسان و غیرانسان بازطراحی شده است (دو روبرتیز، ۲۰۲۰).

شکل‌گیری ایده‌های قلمروی

قلمرو در ادبیات توسعه روستایی معمولاً بر دو مسیر عقلایی خود را نشان می‌دهد: ۱. مسیر مداخلات رسمی که توسط دولت و سازمان‌ها و ادارات تابعه اتحادیه اروپا انجام می‌پذیرد (برای مثال، بخش مهمی از مرحله پان-اروپاییان^۲ طرح لیدر^۳ بود که در سال ۱۹۹۱ با اجرای بخش کشاورزی صورت پذیرفت).

۲. مسیر رهیافت قلمروزیایی یا سرزمین‌سازی^۴، بر درونزایی به‌عنوان شرط اولی خودمختاری محلی تأکید دارد. این‌ها شامل بخشی از شواهد همکاری‌های فعالان حوزه تولید غذا یا بخش گردشگری، همچنین ابتکارات احیا و بازسازی محلی با ماهیت جامع‌تر نیز می‌شود

1. Constant Flux

2. Pan-Europeans

3. LEADER

4. Territorialization

میدمور و همکاران^۱، ۱۹۹۴). با این حال، حتی ابتکارات درون‌زا (دیر یا زود)، با سطوح فرامحلی^۲ برای دریافت بودجه، کمک‌های مالی یا دیگر اشکال حمایتی مواجه می‌شود. علاوه بر این، با توجه به اشاره بولر^۳ در رابطه با فرانسه، قلمروهای توسعه روستایی به یک معنی چه با عنوان مداخلات دولتی باشد و چه ابتکارات بالا به پایین، توسط پروژه‌ها ایجاد می‌شوند؛ بنابراین این قلمروهای توسعه روستایی دارای کارکردهای چندگانه هستند. آن‌ها بخش‌های جدیدالاحداثی در برخی از سیاست‌های اجرایی دولت‌های اروپایی و سازمان‌های مردم‌نهاد هستند (کانال‌هایی برای تأمین کمک‌های مالی دولتی و...). آن‌ها خوشه‌های جغرافیایی متشکل از ظرفیت‌های جمعی و فعالیت‌های راهبردی توسط اعضای فعال و کنشگران (فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی و سیاسی-اداری) هستند. بسیاری از آن‌ها حوزه‌هایی (دامنه‌ای) از سازمان‌های جدید (کمیته‌های همکاری و مشارکت محلی) هستند که کارکردشان چانه‌زنی بین محلی‌ها و فضای اقتصادی-سیاسی است. آن‌ها اساسی را برای احیا یا ساخت هویت فرهنگی محلی ایجاد می‌کنند (کنشگران و فعالان محلی را به عضویت و همکاری در/با فعال‌سازی هویت محلی دعوت می‌کنند) (ری، ۲۰۰۶).

به‌طورکلی توسعه روستایی قلمروی را می‌توان به‌صورت روابط متقابل با سطح فرامحلی با مفهوم روستایی‌بودن^۴ تعریف کرد. هرچند باید دقت داشت که منظور از این تعریف، گسترش خودمختاری مناطق روستایی در سطح وسیع‌تر فضای اقتصادی-سیاسی نیست.

محدودیت‌های توسعه درون‌زا

تعریف خالص یا محض^۵ توسعه درون‌زا، بر تغییرات پویای فعالان محلی صرفاً و مستقل از کمک عوامل خارجی تأکید دارد. این تعریف تنها برای فهم و درک و کشف مفید است؛ چیزی که وبر آن را «نوع ایدئال^۶» می‌نامد. درواقع این مفهوم پاسخی به طرح موضوع لو^۷ و همکاران

1. Midmore

2. Extralocal

3. Buller

4. Rurality

5. Pure

6. Ideal Type

7. Lowe

(۱۹۹۵) درخصوص نظریه‌پردازی برای توسعه روستایی با در نظر گرفتن هر دو مدل درونزا و برونزا و طرح و ایجاد مدلی برای این دو رویکرد با تأکید و تمرکز بر تعاملات بین عرصه‌های محلی، اجزای فعال آن‌ها، فضا یا محیط طبیعی، اقتصادی و سیاسی است که به‌طور اجتناب‌ناپذیر (به‌طور صریح یا ضمنی) وجود دارد.

توسعه نودرونزا بر محوریت پایین به بالا در قلمروهای محلی و کنشگران که دارای ظرفیت برای سازمان‌ها (به‌عنوان میانجی) هستند، تأکید دارد، اما این دریافت را نیز دارد که عوامل برون‌محله یا غیرمحلی تأثیرات ناگزیر و مهمی را (که قابل استفاده نیز هستند) در سطح محلی ایجاد می‌کند. پیش از شناخت اجزای ایده توسعه نودرونزا باید به عوامل اصلی که بر تکامل این رهیافت تأثیر داشته‌اند، پرداخته شود. برای تشخیص این عوامل باید اجزای چارچوب تحلیلی انتقادی رهیافت را تشخیص دهیم.

مداخلات سیاسی

از عوامل مهم و اصلی در توسعه اروپا، شیوه مداخلات سیاست‌های آینده جوامع روستایی (کمیسیون کمیته‌های اروپایی، ۱۹۸۸) و در مقیاس بزرگ‌تر، فضای فرهنگی و سیاسی اتحادیه اروپا است. همچنین رهیافت قلمروی بر ضرورت گسترش مفهوم توسعه روستایی از نگاه‌بخشی به قلمروهای منسجم و پویا تأکید دارند. یکی از پیشران‌های توسعه نودرونزا، برخورد با تقدم تولیدات کشاورزی به‌عنوان چالشی در سیاست‌های روستایی بود تا گستره وسیع‌تری از روستاییان را علاوه بر کشاورزان فعال کند. در همین راستا، اروپاییان به این نتیجه رسیدند که منابع اروپایی باید به مناطق مشخصی هدایت شوند و این امر در فرایند مذاکره بین دولت‌های محلی و مناطق زیرمجموعه آن‌ها و اتحادیه اروپا صورت گیرد. این مناطق و به‌دنبال آن، شکل‌گیری چارچوب‌های جغرافیایی، موجب تجربه‌های بنیادین در توسعه روستایی نودرونزای/قلمروی اروپا به عنوان لیدر^۱ شد. همچنین این طرح به دو زمینه از جمله رهیافت قلمروی (با تمرکز بر قلمروهای محلی) و ارائه تعاریف جدیدی از کنشگران و فرایند مداخلات توسعه روستایی پرداخت. علاوه بر این، ابتکار عمل لیدر به‌صورت ضمنی، بخشی از پروژه سیاسی-اقتصادی اروپا را نیز دربرمی‌گرفت؛ به‌گونه‌ای که از سیاست‌های اجرایی، تمرکززدایی و

^۱. LEADER

گروه‌های محلی را به فعالیت و مشارکت با شبکه پان-اروپاییان تشویق می‌کند. سرانجام می‌توان شاهد پویایی فراملی برای عرضه دیدگاه‌های محلی‌گرایی با حفظ هویت اصیل اروپایی بود. این دلایل به‌همراه دیگر عوامل مستتر در قلمروسازی شامل حرکت جریان اداری-سیاسی به سمت تمرکززدایی دولتی و ایده مدیریت ایالتی^۱ موجب شکل‌گیری رهیافت اداری در سطح ملی و اروپایی شد. عقلانیت اداری-سیاسی برای توسعه نودرون‌زا از یک سو می‌تواند مسئله‌ای به‌منظور بهره‌وری باشد؛ به‌گونه‌ای که هدفمند کردن حمایت‌ها به مناطقی که نیاز بیشتری دارند، باید هدایت شود یا در مناطقی که ظرفیت مشخص و آشکاری برای پاسخ به فرصت‌ها دارند، اعمال شود. از سوی دیگر مانیفستی است بر مدیریت‌گرایی ایالتی^۲ که به‌موجب آن، دولت^۳ با همکاری) فعالان محلی برای رسیدن به اهداف سیاسی در کنار هم قرار می‌گیرند تا بتوانند سیاست‌های مؤثر و مورد انتظاری را اجرا کنند که به مداخله‌گری نیازمند است تا مانند بخش دولتی به عرصه محلی پاسخگو باشند و اجازه جلب مشارکت کنشگران خصوصی (شخصی) و داوطلبانه محلی را نیز داشته باشند. در این مورد، توسعه نودرون‌زا اساساً مانیفستی از نمایشی امروزی در مورد چیزی است که به‌سرعت به جریان اصلی سیاست‌های اروپایی تبدیل می‌شود.

محلی‌گری و تمرکززدایی

نظریاتی که بیان‌کننده نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی و تز استعمار داخلی^۴ هستند، اخیراً به مؤلفه‌های دموکراسی مشارکتی، ایدئولوژی سبز و ارزشمندی هویت فرهنگی/محلی در کثرت‌گرایی اروپایی نیز پیوسته‌اند. این جنبش‌های اجتماعی پویا^۵ که با سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی نیز لابی‌گری دارد، تلاش کرد تا ایده فرهنگ محلی را به‌عنوان یکی از منابع موجود به‌منظور بهره‌برداری اقتصادی و همچنین غایتی در توسعه، در نوع خود وارد عرصه‌های سیاسی روستایی کند؛ بنابراین تعریف روستای اروپایی به‌عنوان ترکیبی از فعالیت‌های اصلی تولید و روستایی‌بودن عمومی^۶ به‌عنوان حوزه هویت فرهنگی بومی (در تضاد با فرهنگ شهری جهانی) شکل گرفت. نقش مداخله‌گر توسعه روستایی نودرون‌زا به‌عنوان سازوکاری برای

1. Managerial State

2. State Managerialism

3. State

4. Internal Colony

5. Organic

6. Generic Rurality

اروپایی شدن^۱ بود تا بتواند پاسخ (کنش یا کرداری) به جریان منطقه‌گرایی یا به‌طور دقیق‌تر پویایی روستایی-منطقه‌ای^۲ باشد. علاوه بر این، فرایند تمرکززدایی که در دولت‌های ملی اتفاق می‌افتاد، موجب شد تا کنشگران فرهنگی-قلمروی این بار از منظر سیاست‌های روستایی شروع به دیدن اروپا و اتحادیه اروپا به‌منظور حمایت و تخصیص بودجه‌های رسمی کنند.

هویت فرهنگ محلی

ارتباط بین هویت فرهنگ محلی و توسعه اقتصادی از دیگر عوامل مؤثر در شکل‌گیری توسعه نودرونزا است؛ موضوعی که لاش و اوری^۳ (۱۹۹۳) آن را اقتصاد نشانه‌ها و فضا^۴ نامیدند. این ایده‌ای است که الگوی تولید-مصرف به‌عنوان منطق جوامع پیشرفته مصرفی را شکل داده و در پی آن، فشارهای جهانی‌سازی موجب مطرح‌شدن بازتاب ذهنیت‌های انسانی^۵ شده است؛ به این معنا که هرکدام از افراد، به‌عنوان یک سازمان ظرفیت‌هایی برای ایجاد کسب‌وکار^۶ دارند. در پی این ایده سرمایه‌داری مصرف‌گرایی جهانی به‌شدت تولید را به‌سمت جایگزین‌کردن ارزش طراحی^۷ به‌جای ارزش کار و مواد اولیه هدایت کرد. این رویه اساساً بیشتر بر نشانه‌های کالا و خدمات استوار و کمتر بر ابزار و صنایع وابسته است^۸. درواقع این امر تولید و مصرف نشانه‌ها است. عقلانیت (اصول) جریان سرمایه‌داری و فعالیت افراد خصوصی (تا جایی که مصرف‌کننده هستند) به‌وسیله آگاهی (کم‌وبیش) از زیباشناسی مصرف و همچنین تولید حرکت می‌کند که آن را زیباشناسی بازتابی یا انعکاسی^۹ گویند.

نظام سرمایه‌داری به‌سمت افزایش ارزش‌های این‌چنینی در حرکت است. یکی از مصادیق این پدیده‌ها، ارزش‌گذاری یا ایجاد ارزش برای مناطق محلی است؛ برای مثال، تولید ویژه محلی^{۱۰} و گردشگری فرهنگی/سبز که در آن فرهنگ بومی، نمادگرایی کلیشه‌های صناعی^{۱۱} و

¹.Europeanization

².Rural-regional Dynamic

³.Lash and Urry

⁴.Economic of Sign and Space

⁵.Reflexive Human Subjectivity

⁶.Agency

⁷.Design Value

⁸.Utility

⁹.Aesthetic Reflexivity

¹⁰. Products Typiques

¹¹.Synthetic

ارزش‌های عمومی روستایی‌بودن (محلی، کیفیت محیط‌زیست، اجتماعات بسته و...) را نام برد؛ بنابراین در ایجاد رهیافت نودرون‌زا، توسعه‌دهندگان روستایی (بالا به پایین و پایین به بالا) می‌توانند به نشانه‌ها یا سیگنال‌هایی که در سرمایه‌داری معاصر ظهور پیدا می‌کند، ارجاع داشته باشند. به عبارت دیگر، از کالایی شدن نشانه‌ها در رویکرد توسعه‌ای خود استفاده کنند.

حضور تخصص‌های محلی

لاو و همکاران روشی را نشان دادند که در آن، بازرسان آلودگی رودخانه‌های انگلستان، وساطت اثربخشی را بین کشاورزان و سیاست‌گذاران انجام دادند؛ بنابراین تصمیمات اخذشده در نهایت از نظرات متفاوت و متضاد کنشگران مختلف استخراج و تدوین می‌شود که در آن، راهبردها برآیندی از مباحث نظری و ایدئولوژی‌ها و فشارهای اجرایی تشکیل شده بود. لو و همکاران این افراد را به عنوان بوروکراتیک‌های سطح عرصه^۱ دسته‌بندی کردند (لو و همکاران، ۱۹۹۷). مطالعه ابتکار عمل لیدر^۲ در اتحادیه اروپا نیز نشان داد این دسته از فعالان (هماهنگ‌کننده گروه‌های فعال محلی) شامل افراد کنشگری بودند که به طور مطلوب و ماهرانه‌ای در فعالیت‌های مداخله‌گری محل خود تأثیر داشتند. به طور کلی، آن‌ها موجب شکل‌گیری باورهایی درخصوص اثربخشی فعالیت‌های مشارکتی در اجرای طرح لیدر شدند.

مشکلات و موانع اجرایی توسعه نودرون‌زا و برنامه لیدر

با توجه به واقعیت‌های موجود و تعاریف جدید از روستا که پیش‌تر به آن اشاره شد، برای ایجاد امکانات و توسعه در روستاها در رقابت با شهرها، نیازمند تداوم اجرای برنامه‌های توسعه‌ای هستیم. هرچند باید توجه داشت که هدف رهیافت‌های توسعه‌ای مانند توسعه نودرون‌زا و برنامه لیدر، از بین بردن اختلاف بین شهر و روستا نیست، بلکه خلق ارزش‌های جدید با توجه به منحصربه‌فرد بودن هر قلمرو به طور جداگانه و ایجاد بهروزی و رفاه برای کنشگران و فعالان محلی است که به دنبال ایجاد فضای جدیدی از فرصت‌ها برای مناطقی است که درگیر مشکلاتی از قبیل مهاجرت و حاشیه‌نشینی هستند. برنامه لیدر و رهیافت نودرون‌زا راهی است که برای توسعه روستایی در اروپا پیشنهاد شد و در حال اجرا است؛ بنابراین همه عرصه‌های روستایی در

^۱. Filed-level

^۲. LEADER

اتحادیه اروپا، فلسفه توسعه نودرونزا را در قالب رویکرد و برنامه لیدر و بهبود سرمایه انسانی و اجتماعی، تشویق مشارکت گروه‌گذاران و ساکنان محلی^۱ در فرایند تصمیم‌گیری و تقویت حاکمیت سرزمینی به اجرا درآوردند؛ بدین معنا که حکمرانی^۲ قلمروی یا سرزمینی می‌تواند توسط گروه‌گذاران محلی (مانند: نهادهای مدنی، شهرداری‌ها، کارآفرین‌ها و صاحبان شرکت‌ها) صورت گیرد که با گردآمدن آن‌ها به‌عنوان گروه‌های اقدام محلی^۳ به تقویت و ارتقای منابع موجود و جدید می‌پردازند و همچنین به ادغام اقتصادهای محلی خود با نظام جهانی کمک می‌کنند. ترکیب یا تلفیق سرمایه سرزمینی و نوآوری اجتماعی، دالی بر فرایند توسعه و غنای هویت‌های محلی شد (ناوارو و همکاران، ۲۰۲۰).

با توجه به ادبیات موضوعی، بستر جغرافیایی، نقش مهمی در بسیج گروه‌گذاران (دست‌اندرکاران) و طراحی پروژه‌ها ایفا می‌کند، اما عامل تعیین‌کننده‌ای نیست؛ زیرا سرمایه سرزمینی در مناطق مختلف متفاوت است. از این‌رو نتایج مختلفی را ایجاد خواهد کرد. از دیگر عوامل اصلی رشد و ارتقای توسعه روستایی می‌توان به حضور فعال ذینفعان محلی، کارآفرینان فعال و پویایی خصوصی، سرمایه اجتماعی، همکاری و خلاقیت نهادهای محلی و دولتی اشاره کرد (لاکیومننت و همکاران، ۲۰۲۰)؛ بنابراین توسعه روستایی موفق نیازمند ترکیب رهیافت‌های بالا به پایین و پایین به بالا است که کنشگران داخلی و بیرونی در آن ایفای نقش می‌کنند و درگیرند. این امر زمانی مؤثرتر خواهد بود که گروه‌های اقدام محلی از توانمندی لازم برای تصمیم‌گیری چارچوب‌های حمایتی برخوردار باشند. در این روش، همکاری بین عرصه‌های روستایی (شامل رویکرد نوآورانه در ترکیبی از دانش مهارت و تجربه و همچنین استفاده از درس‌آموخته‌هایی است که در یک منطقه مورد تجربه و آزمون واقع شده‌اند، در مناطق دیگر (پیلکانن و همکاران، ۲۰۲۰)) برای حمایت از ایجاد و ارتقای روستاهای هوشمند^۴ استفاده شود. با این حال مشکلات متعددی نیز در اینجا به چشم می‌خورد که اجرای این طرح را با مشکل مواجه می‌سازد: چارچوب‌های شدید بوروکراتیک^۵ که توسط سطوح بالای قدرت تحمیل می‌شود. به‌طورکلی گروه‌های اقدام محلی به دولت‌های ملی و منطقه‌ای، سیاست آن‌ها، رویه‌های

1. local stakeholders

2. governance

3. Local Action Group's (LGAs)

4. Smart Village

5. over-bureaucratic

سیاست‌گذاری و نظارتی آن‌ها وابسته‌اند تا جایی که دولت محلی، نوآوری اجتماعی و حتی افزایش دارایی‌ها و منابع محلی را به یک‌سو می‌نهد و به اهداف ثانویه تبدیل می‌شود. در نتیجه کاربرد رهیافت لیدر و حتی ویژگی‌های خاص آن (مانند مؤلفه‌های نوآورانه، پروژه‌های جامع و دیگر موارد) بر سرزمین‌ها یا قلمروها و همکاری‌های آنان تأثیر منفی می‌گذارد (ناوارو و همکاران، ۲۰۲۰). از سویی چالش طرفداران رهیافت اجتماع‌محور^۱، وادارکردن دولت‌های ملی و منطقه‌ای به تقسیم قدرت با گروه‌های فعال محلی است؛ بنابراین گروه‌های اقدام محلی نیازمند ایجاد ظرفیت تصمیم‌سازی هستند تا بتوانند از مناطق محلی مربوط به خود در برابر دخالت‌های بیش از حد سطوح بالای قدرت دفاع کنند. در این موارد، قدرت چانه‌زنی بالا به پایین و از پایین به بالا به بخشی کلیدی^۲ در فرایند توسعه نودرون‌زا تبدیل می‌شود (بوسورث و همکاران، ۲۰۱۶). چالش دیگری که در این حوزه باید به آن توجه شود، کنترل فرایندهای مدیریت رسمی سرزمینی از درون و توسط گروه‌های اقدام محلی (فعالان نهادی و کارآفرینی^۳) است که نیاز به وجود یک پروژه متشکل از فعالان سیاسی محلی و کارشناسان و نخبگان اقتصادی را برای کنترل اقدامات این رهیافت در هر منطقه ایجاد می‌کند.

این مشکلات بر نتایج برنامه، ایجاد و گسترش نابرابری اجتماعی و سرزمینی تأثیر می‌گذارد و به برنده‌شدن یا منتفع‌شدن گروه‌های اجتماعی و سرزمینی در مقابل بی‌بهره‌ماندن گروه‌های دیگر منتج می‌شود. امروزه مناطق روستایی بسیاری با مشکلات عمیقی از قبیل سالخورده‌گی جمعیت، بی‌تفاوتی (انفعال) اقتصادی، از دست دادن هویت فرهنگی و حتی شرایط وخیم محیط زیستی مواجه هستند که اجزای (کارمندان) گروه‌های اقدام محلی، منابع و زمان کمی برای پروردن ابتکارات نو و جدید دارند (ماروتو مارتوس و همکاران، ۲۰۲۰).

اگر بخواهیم نفوذپذیری^۴ اجتماعی و سرزمینی را افزایش دهیم یا تقویت کنیم و سرمایه‌های سرزمینی را افزایش دهیم، احتمالاً از یک‌سو به تشویق پروژه‌ها و مشاغل کوچک‌تر و از سوی دیگر، ایجاد سازوکارها و فرایندهای تخصیص کمک مالی کارا تر و مؤثرتری برای افزایش مشارکت طیف گسترده‌تری از مروجان نیاز خواهیم داشت (ناوارو و همکاران، ۲۰۲۰). در نهایت

¹. community-led approach

². key aspect

³. enterpreneurial

⁴. permeability

از ظرفیت‌های همکاری بین مناطق روستایی استفاده نمی‌شود. دستیابی به همکاری‌های بین‌قلمروی، بی‌شک و شاید حداقل ناشی از پیچیدگی سازوکارها برای اجرای پروژه‌های فراملی^۱ است که موجب دلسردی در علاقه ظرفیت‌های این عرصه شده است.

نتیجه‌گیری

توسعه نودرونزا رهیافتی نوین در عرصه مفاهیم توسعه روستایی است که به‌منظور پاسخگویی و حل برخی مشکلات ناشی از دیگر رهیافت‌های جاری در توسعه روستایی مطرح و در بسیاری از کشورها در حال اجرا است. با توجه به تغییرات فضای روستایی در کشور ایران، به نظر می‌رسد استفاده و بهره‌مندی از مفاهیم توسعه نودرونزا در برنامه‌های توسعه روستایی کشور بتواند نقش مؤثری را در راستای حل مشکلات توسعه روستایی کشور ایفا کند.

یکی از مشکلات توسعه روستایی ایران را می‌توان وجود نظام مدیریت بخشی و نبود شبکه‌های ارتباطی بین کنشگران دولتی متفاوت با یکدیگر و همچنین با نهادهای مدنی و خصوصی در عرصه‌های تصمیم‌گیری و اجرا دانست. از آنجا که مباحث توسعه روستایی نیازمند مداخله‌گری کنشگران متفاوت است و بخش‌های مختلف اداری-سیاسی دولتی نیز در آن دخیل هستند، مشارکت همه آن‌ها و ایجاد شبکه‌ای درهم‌تنیده از ذینفعان یا گروداران در برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی ضروری است. توسعه نودرونزا رهیافتی است که علاوه بر نگاه درون‌زا و همچنین ارزش‌های اقتصادی-اجتماعی، شبکه‌سازی و همکاری‌های مشترک را از اصول کار خود می‌داند.

در ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای جهان شاهد تغییرات گسترده‌ای در بافت، مناسبات و ارتباطات و فرهنگ روستایی هستیم (سجاسی قیداری، ۱۳۹۴). این تغییرات با توجه به برنامه‌های توسعه، همچنان از بالا به پایین هستند. هرچند در برخی موارد شاهد تلاش‌هایی برای استفاده از روش‌های مشارکتی در اجرای برنامه‌ها هستیم، درنهایت این رویکرد فقط در اجرای برنامه‌ها استفاده قرار می‌شود و برنامه‌ریزی‌ها از سطح کلان و با حفظ اقتدار سیاسی دولت مرکزی صورت می‌پذیرد. با توجه به تعاریف مطرح‌شده و نقش توسعه نودرونزا در شکل‌گیری

^۱. transnational

و هدایت توسعه روستایی، می‌توان این رهیافت را به‌عنوان راه‌حلی برای پاسخ به مسائل موجود در توسعه روستایی دانست.

رهیافت نودرون‌زا در این شرایط راه‌حلی برای واردکردن جوامع محلی و تقویت نهادهای نوع سوم در فضاهای قلمروی شهری و روستایی و همچنین شبکه‌سازی در بین نهادهای سه‌گانه (دولتی، خصوصی و نوع سوم) است تا بتوان سازوکارهای تصمیم‌سازی را با همکاری سطوح مختلف قدرت سیاسی-اداری و همکاری اجتماعات محلی و با نقش تسهیلگری و مداخله‌گری نهادهای مدنی از قبیل سازمان‌های مردم‌نهاد و دیگر سازمان‌های مردمی به‌گونه‌ای متعادلانه، تصمیم‌گیری و اجرا کرد. در این راستا، با توجه به تغییر نقش روستاها پیشنهاد می‌شود مناطق همگن فرهنگی-اجتماعی که غالباً دارای مناسبات اقتصادی پیوسته‌ای هستند، در قالب قلمروها شکل بگیرند و همچنین برنامه‌گذار برای تحویل قدرت تصمیم‌گیری و اجرا برای این مناطق تدوین شود.

به موجب اجرای طرح لیدر در اروپا، دستاوردهای بسیاری در اجرای ایده توسعه نودرون‌زا به‌دست آمد. این دستاوردها نشان می‌دهد بسیاری از مشکلات در دنیا منفک از یکدیگر نیستند و با اندکی اغماض قابل‌تعمیم به دیگر نقاط جهان نیز هستند. هرچند قدرت‌های جهان طی این سال‌ها کشورهای دنیا را براساس شاخص‌های خود به دسته‌های متعددی در عرصه توسعه تقسیم کرده‌اند، نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد فارغ از این دسته‌بندی‌ها، کشورهای متعددی در بسیاری از مشکلات مشترک هستند و راه‌حل‌های پیشنهادی و اجرایی با ایجاد تغییراتی، قابلیت اجرا در کشورهای دیگر را نیز می‌تواند داشته باشد.

در ایران نیز سازمان‌های مردم‌نهاد بسیاری در عرصه توسعه در حال فعالیت هستند که در قالب طرح‌های مختلف در مناطق متعدد به اجرای طرح‌های خود می‌پردازند (شایان و همکاران، ۱۳۹۰). این فعالیت‌ها هم‌اکنون در بسیاری از موارد با تأکید بر مشارکت و حرکت‌های محلی و با حمایت‌های مالی سازمان‌های دولتی و بین‌المللی در حال اجرا هستند، اما با توجه به ادبیات موضوعی، این نوع نگاه بدون در نظر گرفتن نقش سازمان‌های دولتی یا نقش بالا به پایین آن‌ها به نتایج اجرایی مناسبی منجر نشده است، بلکه این حالت زمانی بهترین نتایج را در پی خواهد داشت که علاوه بر تشکیل گروه‌های اقدام محلی، روابط مناسب و ایجاد فضای چانه‌زنی با نهادهای دولتی فراهم آید تا در طی ایجاد تعامل مناسب بین جامعه محلی و نهادهای دولتی، تجربه فعالیت

مشارکتی در سطوح مختلف نیز ایجاد شود و نقش حمایتی و همکاری نهادهای دولتی با جوامع محلی نیز پررنگ‌تر شود. همچنین امکان نیازسنجی‌ها و ارزیابی‌های مشارکتی از پایین به بالا نیز فراهم آید و صدای سیاسی سطوح مختلف جامعه به‌طور واضح و رسایی شنیده شود.

فارغ از مناسبات سیاسی-اداری و روابط نهادی بالا به پایین و پایین به بالا، کشور ایران دارای ظرفیت‌های متعددی برای اجرای توسعه نودرونزا به‌منظور خروج از بحران‌های اجتماعی-اقتصادی روستایی و ایجاد شرایط مناسب و فضای بهروزی در عرصه‌های روستایی است. وجود فرهنگ کار و همکاری‌های اجتماعی، نهادهای اجتماعی سنتی (مانند بنه، هراسه، شیرواره و...) که در بسیاری از مناطق به‌عنوان نهادهای همکاری استفاده می‌شد و اکنون مضمحل شده‌اند؛ تنوع فرهنگی روستایی در مناطق مختلف و همچنین هویت فرهنگی متعددی که در کشور وجود دارد، ظرفیت مناسبی را برای ایجاد و تغییر و مدیریت روستایی ایجاد می‌کنند. از آنجا که تمرکز برنامه‌های توسعه بر توسعه فیزیکی و اقتصادی است و نهادسازی و هویت محلی در اولویت‌های ثانویه توسعه قرار دارند، با استفاده از رویکرد نودرونزا و ایجاد ارزش‌های اقتصادی برای مفاهیم فرهنگی و هویتی. کیفیت زندگی فقط در قالب ایجاد فضای رفاه و آسایش در فضاهای روستایی نیست، بلکه توسعه و توجه به آرامش و مفاهیم ذهنی بهروزی برای افزایش کیفیت زیست روستایی لازم است. مدل توسعه نودرونزا با تأکید بر اقتصاد اجتماعی به‌دنبال تغییر رویکرد کلان در نگاه به توسعه قلمروهای مختلف و افزایش کیفیت زندگی و بهروزی است. در صورت توجه به این نگاه توسط نظریه‌پردازان توسعه و استفاده از درس‌آموخته‌های دیگر کشورها و از آنجا که مناسبات اقتصادی و فرهنگی اجتماعی دنیا با توجه به امکانات و روابط جهان امروز بسیار درهم‌تنیده و مشترک است و با توجه به مناسبات فرهنگی اقتصادی که در کل جهان در حال اجرا است و کالایی شدن بسیاری از مفاهیم، می‌تواند در حفظ منابع فرهنگی و هویتی روستاهای کشور و افزایش سطح آرامش و آسایش و توسعه روستاها نقش بسزایی داشته باشد. این تغییر نگاه از هدررفت منابع ملی با توجه به تجربیات جهانی و آزمون و خطاهای کشورهای دیگر جلوگیری می‌کند.

با توجه به گسترش نظام آموزشی کشور در مناطق مختلف در دهه‌های اخیر و همچنین فراهم آوردن امکانات تحصیلات برای همه اقشار جامعه شاهد پرورش نیروهای محلی متخصص و آشنا با مشکلات محلی و منطقه‌ای هستیم که این امر خود از نقاط قوت و ظرفیت‌های موجود

در کشور محسوب می‌شود. این نخبگان محلی، علاوه بر داشتن علاقه و دل‌بستگی به منطقه بومی خود، قابلیت شناخت مشکلات منطقه خود را با توجه به تجربه زیست روستایی و کسب دانش رسمی توأمان دارند. توسعه نودرونزا امکان مشارکت این دسته از ظرفیت‌ها و سرمایه‌های انسانی و اجتماعی را در قالب گروه‌های اقدام محلی فراهم خواهد آورد که در چارچوب فعالیت‌های نیمه‌داوطلبانه، شرایط مناسب‌تری را برای توسعه قلمروها فراهم خواهد کرد. در همین راستا پیشنهاد می‌شود:

- استفاده از ظرفیت‌ها و دانش‌آموختگان محلی به‌عنوان مشاوران و بالفعل‌سازی سرمایه انسانی روستاها در فعالیت‌های روستایی به‌خصوص فعالیت‌های توسعه‌ای روستاها.
- تشکیل گروه‌های اقدام محلی با حضور شوراهای دهیار، ریش‌سفیدان و متخصصان محلی و با تسهیلگری و نقش میانجی‌گری سازمان‌های مردم‌نهاد به‌منظور گسترش فعالیت‌های پایین به بالا و افزایش سطح مشارکت عمومی.
- برگزاری کارگاه‌های تصمیم‌سازی‌های مشارکتی با حضور اهالی و دست‌اندرکاران دولتی و حاکمیتی در سطح محلی.
- شناخت ظرفیت‌های اجرای توسعه نودرونزا با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی کشور.
- انجام پژوهش‌های کاربردی به‌منظور توسعه و گسترش مفهوم توسعه نودرونزا در ادبیات توسعه کشور.

منابع

- رستگاری، حمید؛ محمدی تهری، زکریا و احمدوند، مصطفی (۱۳۹۶)، ارزیابی نظام مدیریت توسعه روستایی ایران: تحلیلی بر مبنای الگوی مکنزی. *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، دوره نهم، شماره ۲: ۱۷۱-۱۹۶.
- سجاسی قیداری، حمداله، صادقلو، طاهره و شهدادی، علی (۱۳۹۴). اثرات جهانی شدن بر تغییرات سبک زندگی در نواحی روستایی، *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره هفتم، شماره ۱: ۱۵۳-۱۸۸.
- شایان، حمید، تقی‌لو، علی‌اکبر و عنابستانی، علی‌اکبر (۱۳۹۰)، بررسی و تحلیل عوامل بازدارنده مشارکت مردم در توسعه روستایی با تأکید بر روش تفکر عقلایی (نمونه موردی دهستان سنبل‌آباد)، *نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی*، دوره شانزدهم، شماره ۳۸: ۱۰۰-۷۵.
- فعلی، سعید، صدیقی، حسن، پزشکی راد، غلامرضا و میرزایی، آرزو (۱۳۸۹)، چالش‌های جوامع روستایی ایران برای دستیابی به توسعه پایدار، *روستا و توسعه*، دوره سیزدهم، شماره ۴: ۹۷-۱۲۸.
- قدیری معصوم، مجتبی، حیدری، زهرا و رمضان‌زاده لسبویی، مهدی (۱۳۹۱)، گردشگری خانه‌های دوم و بررسی ابعاد مهاجرتی (بررسی موردی: نواحی روستایی دو هزار، شهرستان تنکابن، توسعه محلی (روستایی-شهری))، دوره چهارم، شماره ۱: ۵۳-۷۰.
- کریمی اعتماد، فاطمه و یعقوبی، جعفر (۱۳۹۵)، فراتحلیل موانع توسعه روستایی در ایران، اولین همایش ملی منابع طبیعی و توسعه پایدار در زاگرس مرکزی، شهرکرد، <https://civilica.com/doc/606404>.
- محمدی یگانه، بهروز، عینالی، جمشید، چراغی، مهدی و فریحی، فرزانه (۱۳۹۲)، تحلیلی بر موانع اقتصادی-اجتماعی مشارکت روستاییان در فرایند مدیریت روستایی مطالعه موردی: دهستان لیستر، شهرستان گچساران. *فرایند مدیریت و توسعه*، دوره ۲۶، شماره ۱: ۱۰۹-۱۲۴.
- Bosworth, G., Annibal, I., Carroll, T., Price, L., Sellick, J., & Shepherd, J. (2016). Empowering Local Action through Neo-Endogenous Development; The Case of LEADER in England. *Sociologia Ruralis*, 56(3), 427-449.
- Cheshire, L., Pérez, J. E., & Shucksmith, M. (2015). Community resilience, social capital and territorial governance. *Ager: Revista de estudios sobre despoblación y desarrollo rural= Journal of depopulation and rural development studies*, (18), 7-38.
- Cloke, P. (1996). Rural life-styles: Material opportunity, cultural experience, and how theory can undermine policy. *Economic Geography*, 72(4), 433-449.
- Commission of the European Communities. (1988). *The future of rural society* (Vol. 4). Office for Official Publications of the European Communities.
- Conti, S. (1989). *Geografia Economica*. UTET, Torino.
- De Rubertis, S. (2020). *Neoendogenous Development in European Rural Areas*. Springer, Cham.
- Escobar, A. (2011). *Encountering development: The making and unmaking of the Third World* (Vol. 1). Princeton University Press.

- Gkartzios, M., & Scott, M. (2014). Placing housing in rural development: exogenous, endogenous and neo-endogenous approaches. *Sociologia Ruralis*, 54(3), 241-265.
http://inspiringcommunities.org.nz/ic_resource/what-is-community-led-development/
- Lacquement, G., Chevalier, P., Navarro, F., & Cejudo, E. (2020). *Public Action and Territorial Development: The LEADER Approach in the Recomposition of Rural Spaces in Languedoc-Roussillon (France) and Andalusia (Spain)*. In *Neoendogenous Development in European Rural Areas* (pp. 63-86). Springer, Cham.
- Lash, S. M., Urry, S. L. J., & Urry, J. (1993). *Economies of signs and space* (Vol. 26). Sage.
- Lowe, P. (2006). Concetti e metodi nelle politiche europee di sviluppo rurale. Cavazzani A. et al. "Politiche, Governance e Innovazione per le aree rurali", INEA, Collana Studi and Ricerche, Edizioni Scientifiche Italiane, Napoli.
- Lowe, P., Clark, J., Seymour, S., & Ward, N. (1997). *Moralizing the environment: countryside change, farming and pollution*. UCL Press Limited.
- Lowe, P., Murdoch, J., and Ward, N. (1995). Networks in rural development: beyond exogenous and endogenous models. *Beyond Modernisation*, 87-105.
- Marsden, T. (2009). Mobilities, vulnerabilities and sustainabilities: exploring pathways from denial to sustainable rural development. *Sociologia ruralis*, 49(2), 113-131.
- Martin, R., & Sunley, P. (2000). L'économie géographique de Paul Krugman et ses conséquences pour la théorie du développement régional: une évaluation critique. G. Benko, A. Lipietz, La richesse des régions. La nouvelle géographie socio-économique, Economie en Liberté, 33-84.
- Cejudo, E., & Navarro, F. (2020). *Neoendogenous Development in European Rural Areas*. Springer International Publishing.
- Massey, D., & Massey, D. B. (2005). *For space*. Sage.
- Maroto-Martos, J. C., Voth, A., & Pinos-Navarrete, A. (2020). The importance of tourism in rural development in Spain and Germany. In *Neoendogenous Development in European Rural Areas* (pp. 181-205). Springer, Cham.
- Midmore, P., Ray, C., & Tregear, A. (1994). *The South Pembrokeshire LEADER project: an evaluation*. Aberystwyth: Department of Agricultural Sciences, University of Wales.
- Navarro, F., Cañete, J. A., & Cejudo, E. (2020). Failed Projects. Initiatives that Did not Receive Funding from the LEADER Programme. In *Neoendogenous Development in European Rural Areas* (pp. 283-297). Springer, Cham.
- Pike, A., Rodríguez-Pose, A., & Tomaney, J. (2016). *Local and regional development*. Routledge.
- Preston, P. W. (1999). Development theory: An introduction. Siglo XXI.
- Pylkkänen, P., Hyyryläinen, T., & Navarro, F. (2020). Transnational Cooperation—The Underutilized Potential of the European LEADER Method. In *Neoendogenous Development in European Rural Areas* (pp. 133-148). Springer, Cham.
- RAY, C. (2001). Culture Economies—A perspective on local rural development in Europe CRE Press, University of Newcastle upon Tyne TERLUIN, IJ (2003): Differences in economic development in rural regions of advanced countries: an overview and critical analysis of theories. *Journal of Rural Studies*, 19, 327-344.
- Ray, C. (2006). Neo-endogenous rural development in the EU. *Handbook of Rural Studies*, 1, 278-291.
- Van der Ploeg, J. D., & Van Dijk, G. (1995). *Beyond Modernization: The Impact of Endogenous Rural Development* (Vol. 3). Uitgeverij Van Gorcum.
- Van der Ploeg, J. D., Renting, H., Brunori, G., Knickel, K., Mannion, J., Marsden, T., ... & Ventura, F. (2000). Rural development: from practices and policies towards theory. *Sociologia Ruralis*, 40(4), 391-408.

-
- Ward, N., Atterton, J. H., Kim, T. Y., Lowe, P. D., Phillipson, J., & Thompson, N. (2005). Universities, the knowledge economy and 'neo-endogenous rural development'. CRE Discussion Paper Ward2Ward3.
- Woods, M. (2009). Rural geography: blurring boundaries and making connections. *Progress in Human geography*, 33(6), 849-858.
- Woods, M., & McDonagh, J. (2011). Rural Europe and the world: Globalization and rural development. *European Countryside*, 3(3).